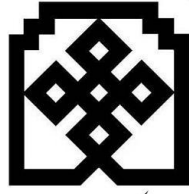


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه حکیم سبزواری

دانشگاه حکیم سبزواری

دانشکده الهیات

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

روان شناسی شخصیت بشار بن برد

از خلال اشعارش

استاد راهنما :

دکتر مهدی خرمی

استاد مشاور:

دکتر حسن مجیدی

نگارش :

عبدالرحمن پرستش

تابستان ۹۲



دانشگاه حکیم سبزواری

فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: پرستش	نام: عبدالرحمن	ش دانشجویی: ۸۹۱۳۴۲۱۱۰۲
استاد راهنما: دکتر مهدی خرمی	استاد مشاور: دکتر حسن مجیدی	
دانشکده: الهیات	رشته: زبان و ادبیات عرب	گرایش: زبان و ادبیات عرب
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع:	تعداد صفحات:

عنوان پایان‌نامه: روان شناسی شخصیت بشار بن برد از خلال اشعارش

کلیدواژه‌ها: روان شناسی، شخصیت، بشار بن برد

چکیده

از آن جا که شعر و ادب محرکی نفسانی است که در انسان موجب لذت و الم می گردد و در او تأثیر می گذارد، توجه به ارزش روان شناسی را منتقدان در فهم آثار ادبی بسیار مهم می شمارند و آن را کلید سایر اقسام نقد به شمار می آورند. و با توجه به اینکه شخصیت عبارت است از سبک ها و روش های ویژه ای که هر انسان در تفکر و رفتار دارد، به عبارت دیگر نحوه ی خاص فکر کردن و رفتار کردن هر شخص منعکس کننده ی شخصیت اوست، ضرورت روانکاوی به عنوان ابزاری برای شخصیت شاعر به منظور فهم هر چه بهتر اشعار او که زاینده ی افکار اوست حقیقتی انکارناپذیر است. بنابراین ضرورت داشت که با تکیه بر علم روان شناسی به تبیین شخصیت شاعر از خلال برخی از اشعارش پردازم. در این تحقیق سعی شده است ویژگیهای روانی این شخصیت در چارچوب مکانیسم "جبران"، "تصعید"، "دفاع گریز" و غیره بررسی شود و تیپ شخصیتی او نیز ذکر گردد.

واژگان کلیدی: روان شناسی، شخصیت، بشار بن برد

امضای استاد راهنما

«فهرست مطالب»

عنوان..... صفحه

فصل اول : کلیات تحقیق

۱-۱- بیان موضوع..... ۲

۱-۲- ضرورت انجام و کاربرد نتایج تحقیق..... ۳

۱-۳- سابقه تاریخی موضوع تحقیق..... ۴

۱-۴- اهداف تحقیق..... ۶

۱-۵- سوالات اساسی تحقیق..... ۶

۱-۶- فرضیه..... ۶

۱-۷- بیان روش تحقیق..... ۷

۱-۸- بیان محدودیت های عمده تحقیق..... ۷

فصل دوم : کلیات روانشناسی شخصیت

۲-۱- تعریف روان شناسی..... ۹

۲-۲- روان شناسی به مثابه ی یک نیاز..... ۹

۲-۳- روح آدمی و ادبیات..... ۱۰

۲-۴- روانکاوی و ادبیات..... ۱۱

۲-۵- محدوده ی روان شناسی اثر ادبی..... ۱۶

- ۱۷-۲-۶- تعریف نقد روان شناختی.....
- ۲۲-۲-۷- پیشینه ی نقد روانشناسی.....
- ۲۶-۲-۸- مزایای نقد روان شناختی.....
- ۲۸-۲-۹- محدودیت های نقد روان شناختی.....
- ۳۰-۲-۱۰- تعریف شخصیت.....
- ۳۱-۲-۱۱- ساختار شخصیت.....
- ۳۳-۲-۱۲- نهاد.....
- ۳۴-۲-۱۳- خود.....
- ۳۵-۲-۱۴- فراخود.....
- ۳۶-۲-۱۵- ضرورت و فایده ی مطالعه روان شناسی شخصیت.....

فصل سوم: زندگی و عصر شاعر

- ۳۹-۳-۱- زندگی نامه شاعر.....
- ۳۹-۳-۲- خانواده ی بشار.....
- ۴۱-۳-۳- سال ولادت بشار.....
- ۴۲-۳-۴- وفات بشار.....
- ۴۳-۳-۵- اوضاع و محیط سیاسی عصر بشار.....
- ۴۶-۳-۶- اوضاع و محیط اقتصادی عصر بشار.....
- ۴۸-۳-۷- اوضاع و محیط اجتماعی عصر بشار.....

۵۲	۳-۸- اوضاع و محیط فرهنگی، علمی و دینی عصر بشار.....
۵۵	فصل چهارم : روان شناسی شخصیت بشار بن برد.....
۵۷	۴-۱- بشار و مکانیسم "جبران" (Compensation).....
۵۸	۴-۲- انواع "جبران".....
۵۸	۴-۲-۱- جبران پیروز شونده.....
۵۹	۴-۳- نابینایی بشار و "جبران".....
۶۴	۴-۴- ناچیز شمرده شدن بشار و "جبران".....
۷۰	۴-۵- فساد بشار و "جبران".....
۷۵	۴-۶- "جبران" از طریق تحقیر دیگران.....
۷۷	۴-۷- بشار و "جبران" از طریق ستیزه گری و انتقام جوئی.....
۷۹	۴-۸- بشار و مکانیسم "تصعید".....
۸۶	۴-۹- تیپ شخصیتی بشار.....
۸۹	۴-۱۰- روان رنجوری بشار.....
۹۱	۴-۱۱- هیجان خواهی بشار.....
۹۴	۴-۱۲- "تکبر و جاه طلبی" و بشار بن برد.....
۹۶	۴-۱۳- بشار و "دفاع گریز یا فرار از راه پناه به باده گساری".....
۹۸	نتیجه گیری.....
۱۰۰	ملخص الرسالة باللغه العربیه.....

۱۱۷.....	واژه نامه اصطلاحات روان شناسی پایان نامه
۱۱۹.....	فهرست منابع و مآخذ
۱۱۹.....	الف_ منابع فارسی
۱۲۱.....	ب_ منابع عربی
۱۲۳.....	ج_ مقالات
۱۲۴.....	Abstract

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان موضوع

هنر بطور عموم و شعر و ادب علی الخصوص عبارتست از تناسب و هماهنگی درونی و ذهنی که بین وسائط و قوای معرفت حاصل می شود و در ظرف احساس تجلی می نماید. وقوف و شعور انسان نسبت به این هماهنگی موجد حکومت و قضاوت زیباشناسی است و همین حکومت و قضاوت است که هم مبدأ لذات ناشی از مشاهده ی بدایع هنری و هم منشأ نقد و موازنه ی هنری و ادبی است. بدین ترتیب، شعر و ادب نیز مانند سایر هنرها نمودی نفسانیست. هم از جهت شاعر یا نویسنده یی که آنرا ابداع می کند و هم از جهت خواننده یی که از آن بهره مند می گردد. زیرا از جهت ارتباط با شاعر یا نویسنده، شعر و ادب، تخیل ابداعی و ترکیبی است که موجد و محرک آن الهام هنری و جذبه ی ذوقی به شمار می رود. این امور نیز همه از مقوله ی نفسانیات می باشند و به این اعتبار شعر و ادب، جز نمودی نفسانی چیزی نیست. اما از لحاظ ارتباط با خواننده، شعر و ادب محرکی نفسانی است که در انسان موجد لذات و الم می گردد و در او تأثیر می کند و او را به هیجان می آورد و گاه نیز به عمل و اراده و او می دارد. این امور نیز همه از مقوله ی روانشناسی می باشند و به این لحاظ نیز شعر و ادب مسأله یی روانشناسی است. از این جهات توجه به ارزش روانشناسی را منتقدان در فهم آثار ادبی بسیار مهم می شمردند و آن را کلید سایر اقسام نقد به شمار می آورند.

یکی از شاعرانی که در دو دوره ی متفاوت اموی و عباسی زندگی نموده و حلقه ی اتصال بین دو دوره ی اموی و عباسی است و از پیشگامان انقلاب ادبی عصر عباسی به شمار می رود بشار بن برد است. از آنجایی که او موضعی منفی در قبال جامعه و سردمداران آن و برخی دانشمندان اتخاذ نموده و شخصی بدبین بوده، ونخستین بابی از شعر که بر روی او گشوده شد هجا بوده، و از آنجایی که با پیدایش اسلام فن هجا گناه بزرگی به شمار می آمد و از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت

شده است: « من قال فی الاسلام هجاءً مقذعاً فلسانه هدر» یعنی: هر کس در اسلام هجای کوبنده ای بگوید بریدن زبانش مباح است.» می خواهیم در این تحقیق به این سوالات پاسخ دهیم که چرا بشار موضعی منفی نسبت به جامعه داشته و چرا در نخستین باب از شعرش به هجو روی آورده است؟

با توجه به اینکه شخصیت عبارت است از سبک ها و روش های ویژه ای که هر انسان در تفکر و رفتار دارد. به عبارت دیگر نحوه ی خاص فکر کردن و رفتار هر شخص منعکس کننده ی شخصیت اوست، ضرورت روانکاوی به عنوان ابزاری برای شخصیت شاعر به منظور فهم هر چه بهتر شعر او که زاینده ی افکار اوست حقیقتی انکارناپذیر است. لذا برای فهم هر چه بهتر اشعار بشار بن برد ضرورت داشت که با تکیه بر علم روان شناسی به تبیین شخصیت شاعر پردازم و نحوه ی خاص افکار و رفتار او و علل این نوع افکار و رفتارها را مورد بررسی قرار دهم.

۱-۲- ضرورت انجام و کاربرد نتایج تحقیق

از آن جا که ادب محصول ذهن آدمی است و هیچ علمی برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده های آن شایسته تر از روانشناسی نیست. و از آنجا که نحوه ی خاص فکر کردن و رفتار هر شخص منعکس کننده ی شخصیت اوست، ضرورت روانکاوی به عنوان ابزاری برای شناخت شخصیت شاعر با استفاده از روش علمی_ به منظور فهم هر چه بهتر شعر او که زاینده ی افکار اوست حقیقتی انکارناپذیر است. لذا با تکیه بر علم روانشناسی به تبیین شخصیت شاعر پرداختم.

نتایج این تحقیق در حوزه ی روان شناسی و نیز نقد روان شناختی مورد استفاده قرار می گیرد، زیرا موضوعی بین رشته ای می باشد و حتی قابلیت تحقیق و بررسی عمیق تر از این را هم می تواند داشته باشد. هم چنین این پژوهش می تواند دانشجویان رشته ادبیات عرب را بیش از گذشته با نقد

روان شناسی آشنا سازد و پنجره ای رو به رشته ی روان شناسی به روی آنان بگشاید، تا علاقمندان به این حوزه تشویق به ورود به آن شوند.

۱-۳- سابقه تاریخی موضوع تحقیق

نمونه ی درخشان این نوع نقد در تاریخ ادبیات کاری است که " مری بناپارت " شاگرد فروید انجام داد. این روانکاو کتابی مفصل در مورد " ادگار آلن پو " شاعر و داستان نویس آمریکایی دارد. فروید به نقد داستان " هملت "، بعد به کارهای " گئورک براندس " پرداخته است. مقاله ای به نام " داستایوسکی و پدرکشی " که ترجمه کامل آن در فصل نامه ارغنون شماره ۳، ویژه مبانی " مدرنیسم " چاپ شد.

نقد روانکاوی در ادب عربی با نام " عقاد " و نقد روان شناختی که او از شخصیت ابن رومی انجام داده، قرین گشته است. هم چنین ناقدانی چون " محمد النویهی " و " محمد کامل حسین " و " حامد عبدالقادر " به نقد روان کاوی در حوزه ادبیات پرداخته اند. مقاله ای با عنوان " نقد روان شناختی بحران هویت در اشعار ادونیس " توسط " محسن پیشوایی " و " سید حسن هاشمی اردکانی " در " مجله پژوهشی دانشکده ادبیات مشهد " نیز چاپ شده و دو پایان نامه نیز با موضوع " تحلیل روان شناختی شخصیت ابن رومی و اشعارش " توسط " آقای جواد عابدی " در سال ۱۳۸۹ با راهنمایی " دکتر مهدی خرمی " و " تحلیل روان شناختی محمد الماغوط " توسط خانم " کاویان رئوف " در سال ۱۳۹۰ با راهنمایی " دکتر حسن مجیدی " در دانشگاه " حکیم سبزواری " دفاع گردیده است.

در زمینه بشار بن برد هم کتاب های مختلفی نوشته شده است که مهمترین آنها کتابی است با عنوان "شخصیه بشار" که "دکتر محمد النویهی"، مدیر گروه زبان عربی "دانشگاه خرطوم" نوشته است. پایان نامه هایی نیز دفاع شده است که عبارتند از: ۱_ ترجمه و تحقیق بشار بن برد نوشته دکتر طه الحاجری، به راهنمایی سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی ۲_ تصویرهای دیداری در اشعار بشار بن برد نوشته دکتر مصطفی مهدوی آرا. همچنین مقاله ای تحت عنوان "عوامل پیدایی هجا در نزد بشار بن برد" نوشته "دکتر ابوالحسن امین مقدسی" دانشیار دانشگاه تهران و "دکتر بهرام امانی" استادیار دانشگاه زنجان، چاپ شده است.

کتاب های زیر نیز برای مطالعه بیشتر معرفی می گردد:

۱_ بشار بن برد (شعره و اخباره)، کرم بستانی

۲_ بشار بن برد، عمر فروخ

۳_ بشار بن برد و فاتحه العصر العباسی، احمد حسین منصور

۴_ بشار بین الجد و المجون، ابراهیم عبدالقادر مازنی

۵_ بشار بن برد، طه الحاجری

۶_ بشار بن برد، محمد علی طنطاوی

۷_ بشار بن برد، محمد بدر الدین علوی

۸_ المختار من شعر بشار للخالدیین

۹_ دیوان بشار بن برد، محمد طاهر ابن عاشور

۱-۴- اهداف تحقیق

از آنجا که نقد یکی از موضوعات مهم ادب و پرداختن به آن یکی از مصادیق ارزیابی ارزش اثر ادبی است و همچنین در نقد ادبی، بیشتر، جنبه های تاریخی، اجتماعی، لغوی و ... فرصت معرفی شدن پیدا کرده اند و بعد روان شناختی آن در ادبیات معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است، انتخاب این موضوع و مطرح کردن آن می تواند گامی نو جهت شناساندن این گرایش نقدی و پی بردن به حضور کم رنگ آن در ادبیات معاصر باشد.

و از آنجایی که هیچ علمی برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده های آن شایسته تر از روان شناسی نیست، لذا با تکیه بر علم روان شناسی به تبیین شخصیت بشار بن برد_ که از پیشگامان انقلاب ادبی عصر عباسی به شمار می رود_ پرداختم.

۱-۵- سوالات اساسی تحقیق

۱_ چرا بشار در نخستین باب از شعرش به هجو روی آورده است؟

۲_ چرا بشار دارای شخصیتی خشمگین، انتقام جو و شهوانیت مفرط بود؟

۱-۶- فرضیه

۱_ به نظر می رسد یکی از دلایل روی آوردن بشار به هجو، عقده ای بوده که بر اثر نابینایی و بد منظری و فقر خانوادگی در او وجود داشته است.

۲_ به نظر می رسد خشم و انتقام و شهوانیت مفرط بشار برای غلبه بر ناکامی هایش بوده است.

۱-۷- بیان روش تحقیق

روشی را که در این تحقیق در پی به کارگیری آن هستیم روش توصیفی_تحلیلی است. در این روش علاوه بر تصویرسازی آنچه که هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن پرداخته شده است و به بیان دیگر روش این پژوهش، تحقیق توصیفی تحلیلی و محتواسست که خود یکی از شاخه‌ی روش توصیفی_تحلیلی به شمار می‌رود به طوری که اگر بخواهیم شخصیت شاعری را مورد بازبینی و تحلیل روانی قرار دهیم ناگزیر باید به مجموعه‌ای از اشعار و نوشته‌ی او مراجعه کنیم و سپس آنها را مورد مطالعه قرار دهیم.

۱-۸- بیان محدودیت‌های عمده تحقیق

در این پژوهش در زمینه‌ی خود شاعر با محدودیت‌هایی مواجه شدم که مهمترین آن کمبود منابع بود که به لطف خداوند این مشکل با سفر به شهرهای دانشگاهی دیگر برطرف شد. در زمینه روان‌شناسی هم با محدودیتی روبرو شدم؛ زیرا این پژوهش میان رشته‌ای است و یک بعد آن به روان‌شناسی بر می‌گردد و پژوهش‌های میان رشته‌ای یا باید به صورت گروهی کار شود و یا اینکه فرد در هر دو رشته از تخصص لازم برخوردار باشد که البته این محدودیت به لطف خداوند و با همت فراوان و با مشاوره‌ی دکتر محمد یمینی مدیرگروه محترم علوم تربیتی برطرف گردید.

فصل دوم

کلیات روانشناسی شخصیت

۲-۱- تعریف روان شناسی

روان شناسی که از سال ۱۸۷۹ میلادی به عنوان یک علم تجربی شناخته شده، کوشش کرده تا به این پرسش « انسان چگونه رفتار می کند؟ » پاسخ دهد. روان شناسی، علمی است تجربی که می کوشد با طرح مفاهیمی نسبتاً ساده و مستقیم که امکان بررسی آن ها با روش تجربی امکان پذیر باشد به این خواسته، جامه ی عمل بپوشاند.

موضوع روان شناسی، رفتار و فرایندهای روانی است. در این جا منظور از رفتار، کلیه ی حرکات، اعمال و رفتارهای قابل مشاهده ی مستقیم و غیرمستقیم است و فرایندهای روانی شامل کلیه ی اعمال روانی از قبیل احساس، ادراک، تفکر، یادگیری، حافظه، زبان، انگیزش و هیجان، شخصیت و ... می باشد. (فراهانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸).

۲-۲- روان شناسی به مثابه ی یک نیاز

شناخت روان و آگاهی یافتن به باطن آدمی، یکی از جذاب ترین تلاش های آدمی در مسیر آموختن است. روان شناسی_ همان که در گذشته از آن با عنوان علم نفس یاد کرده اند_ همواره از قدیم مورد توجه عالمان، بزرگان و آنانی که علاقه مند به شناخت انسان بودند و انسان را به عنوان موجودی خارق العاده می دیده اند، قرار گرفته است .

تصور بسیاری از مردم بر این است که به اندازه ی کافی نسبت به رفتار، گفتار، عکس العمل و در یک کلام، نسبت به منش افراد پیرامون خود اطلاعات روان شناسانه ی بسیاری دارند و خود را صاحب نظر می دانند. هم از این روست که آنان در موارد متعدد با تکیه بر تجربیات خود، در لباس یک روان شناس به تبیین و تفسیر رفتارها می پردازند و دیگران را ارزیابی می نمایند. این در حالی

است که تفسیر روان شناختی آنان _ هر چند تا حدودی هم درست باشد_ پایه ی علمی ندارد و قابل اعتماد نیست. نیاز امروز بشر چیزی فراتر از حدس و گمان و اما و اگرها است. به همین دلیل علم روان شناسی همچون شاخه ای نو رسته ، از دل فلسفه جدا گشت و خود راهی تازه در پیش گرفت. در گذشته، روان شناسی رابطه ی تنگاتنگی با فلسفه داشت و بهتر است بگوییم اصولاً دانشی با نام روان شناسی جز در فلسفه معنا نمی یافته است. ولی امروزه این علم ارتباطش با فلسفه بسیار محدود شده است و بر خلاف فلسفه که به مفاهیم انتزاعی_ذهنی می پردازد، روان شناسی، به حقایق محسوسی تکیه دارد که با تجربه های عادی قابل شناختن نیست و باید برای شناخت آن ها به روش علمی متوسل شد. (یونگ، ۱۳۷۰: ۲).

۲-۳- روح آدمی و ادبیات

هنر، آینه ی تمام نمای احساسات بشر است و ادبیات، جزء لاینفک روان آدمی است. از آن زمان که بشر قدرت یافت سخن بگوید سعی کرد احساسات خویش را برای هم نوعان به نمایش گذارد، در نتیجه، ادبیات قبل از آن که تصویر اجتماع یا تاریخ بشری باشد، نمایش روح انسانی است. اگرچه پیشینیان زیاد به این بعد از ادبیات تا قرن اخیر توجه نکرده اند، اما این امر سبب کم ارزشی یا کم اهمیتی این جنبه خاص از ادبیات نمی شود.

ادب _ شعر و نثر _ وسیله ی تعبیر از روح و قلب انسان است، از زمانی که این وسیله در اختیار آدمی قرار گرفته، ارتباطی عمیق بین ابزار تعبیر و موضوع مورد تعبیر، وجود داشته است، مشکل می توان یا شاید نمی توان، به طور قاطع تعیین کرد که کدام یک از دیگری گرفته می شود، اما چون روح را با آثارش مشاهده می کنیم و می شناسیم، برای تقریب به ذهن، زبان روح را _ که همان

اثر ادبی است_ تجلی و تجسم خود آن تلقی می کنیم و ادبیات را آینه ی روان آدمی می شماریم.(رجائی، ۱۳۷۸: ۷).

۲-۴- روانکاوی و ادبیات

نقد روانکاوانه، شکلی از نقد ادبی است که برخی از شیوه های روانکاوی را به متون ادبی اعمال می کند و تفسیر هایی از این متون به دست می دهد. شاید اولین پرسشی که به ذهن هر شخص علاقه مند به ادبیات متبادر می شود، این است که چه نسبتی است بین ادبیات و روانکاوی؟ چون ادبیات مجموعه ای از متون (داستان، شعر و نمایشنامه) است و حال آنکه روانکاوی شیوه ای برای درمان بیماریهای روانی بر اساس دیدگاه های فروید. برای روشن کردن اینکه نسبت این دو چه هست، باید قدری درباره ی روان کاوی صحبت کنیم. بیمارانی که نیاز به روانکاوی دارند کسانی هستند که نوعاً از عارضه ای بدنی رنج می برند، اما این عارضه ی بدنی، هیچ منشأ جسمانی ندارد. یعنی شخص به پزشک مراجعه می کند و مثلاً می گوید قلبم تیر می کشد یا سرم دائماً گیج می رود و در پایم احساس درد می کنم و همه ی آزمایشات پزشکی نشان می دهد که هیچ نوع مشکل جسمانی در او نیست. اینجاست که پزشک، بیمار را احتمالاً به روانکاو ارجاع می دهد و حدس می زند که منشأ بیماری باید جای دیگری باشد. شیوه ی کلاسیک روانکاوی برای درمان این بیماران، مبتنی بر تداعی آزاد است. روانکاو از تجویز دارو عاجز است و اصولاً داروشناسی نمی داند و کارش تجویز دارو نیست بلکه روانکاو نوعی گفتگو را با بیمار آغاز می کند و از بیمار می خواهد که در باره ی هر چیزی که مایل است، و هر چیزی که به ذهنش می رسد، بدون اینکه مانعی سر راه بیان خودش بگذارد، صحبت بکند، یا اینکه واژه ای به او می گوید و می خواهد اولین فکری را که پس از شنیدن

آن واژه به ذهنش متبادر می شود بیان کند. همچنین بخش زیادی از روانکاوی مبتنی است بر تحلیل رویاهایی که بیمار می بیند. (پاینده، ۱۳۸۱: ۲۶) همه ی این شیوه ها و همه ی این نظریه های روانکاوی در واقع مبتنی بر یک ایده ی خاص است که اساس روانکاوی محسوب می شود و آن وجود "ضمیر ناخودآگاه" است. به اعتقاد فروید، رفتار ما انسان ها از بعدی از ذهن ما ناشی می شود که فقط بخشی از آن جنبه ی آگاهانه دارد و بخش زیادی از آن ناآگاهانه است و اغلب به طور غیر مستقیم در رفتار ما بروز می کند.

یک بخش از نظریات فروید که به ویژه به ادبیات خیلی مربوط می شود، دیدگاه فروید در باره ی رؤیاست، درباره ی آن تصویرهایی که ما شب پس از به خواب رفتن می بینیم و بیشتر مثل یک داستان است. فروید معتقد بود که در بیداری «خود» امیال نهاد را سرکوب می کند و مجال بروز به آن نمی دهد. برای مثال می گوید این کاری که می خواهی انجام بدهی خلاف عرف اجتماعی است یا خلاف فلان نهی دینی است، تو نباید این کار را بکنی. اما در خواب این مهار برداشته می شود. بنابراین تصاویری که می بینیم همان امیال خود ما هستند، همان چیزهایی هستند که ما می خواهیم انجام بدهیم ولی هرگز در بیداری نمی توانیم محققشان بکنیم. رؤیا زبان ناخودآگاه است. اگر ما الآن به مدد واژه ها و ساختار معینی از جملات و یا صداها ی معین با هم صحبت می کنیم، ضمیر ناخودآگاه هم به مدد آن تصویرها با ما صحبت می کند.

به هر حال برای اینکه ضمیر ناخودآگاه بتواند به ما بگوید که دنبال چه هست مجبور است که از سد یک سانسور بگذرد، و آن امیال را جور دیگری به ما نشان بدهد و نکته ی مهم همین است و فروید این فرآیند را Dream work یا کارکرد رؤیا نامید. (پاینده، ۱۳۸۱: ۲۹)